

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان

دانشکده ادبیات

گروه علوم قرآنی و حدیث

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته علوم قرآنی و حدیث

انگیزه‌ها و شیوه مدیریت چند همسری پیامبر (صلی الله علیه وآله) و اهل بیت
(علیهم السلام)

استاد راهنما

دکتر فرهاد زینلی بهزادان

نگارنده

الهام اکبری قوام آبادی

مهرماه ۱۳۹۷

تمامی حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و نوآوری‌های
حاصل از پژوهش موضوع این پایان‌نامه، متعلق به دانشگاه
ولی‌عصر (عج) رفسنجان است.

پاسکزاری

پاس و ستایش خدای عزوجل که خویش را به ما شناساند و درهای علم را بر ما گشود و عمری و فرصتی عطا فرمود تا بدان،
بنده ضعیف خویش را در طریقت علم و معرفت بیازماید.

تقدیم به

پدر و مادر عزیز و مهربانم که در سختی ها و دشواری های زندگی، همواره دلسوز، فداکار و پشتیبانی محکم
و مطمئن برایم بوده اند.

چکیده

چندهمسری در جوامع مختلف و ادیان گذشته پیش از اسلام وجود داشته است و از جمله مسائل بحث برانگیز در جوامع اسلامی و دیگر جوامع است و موافقان و مخالفان زیادی دارد. در مورد این مسئله بسیار کشورهای اسلامی را به چالش کشیده و نقد کرده‌اند و چند همسری را که جزئی از سیره نبوی و روش امامان ما بوده است را محکوم کرده‌اند. این امر نگارنده را بر این داشت تا انگیزه‌ها و شیوه مدیریت چندهمسری پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) را دستور کار خود قرار دهد تا از این رهگذر به دید جامع‌تری نسبت به چندهمسری، شیوه مدیریت آن و ضرورت یا عدم ضرورت آن در جامعه کنونی دست یابد. در نهایت محقق به این نتیجه رسیده است که انگیزه پیامبر (ص) و ائمه (ع) از تعدد همسران بیشتر جنبه دینی، اخلاقی و سیاسی داشته و جنبه غریزی و شهوت‌رانی نداشته است. در زمینه مدیریت چند همسری نیز چنین بر می‌آید که نخستین اولویت پیامبر (ص) برقراری عدالت در زمینه‌هایی چون اقتصادی، مهریه، زناشویی و احساسات و عواطف و برطرف کردن مشکلات ناشی از اختلافات قومی و فرهنگی بوده است. مهریه همسران پیامبر (ص) تا حد زیادی مساوی بوده است. پیامبر (ص) با گفتار و رفتار خود مشکلات ناشی از حسادت و رقابت را تا حد زیادی آسان می‌نمودند قابل ذکر است که اختلاف و مشکل چندان جدی و بزرگی بین همسرانشان به چشم نمی‌خورده که این نیز ناشی از همان درایت و خصوصیت اخلاقی خاص ایشان است که توانایی کنترل روابط زنان با یکدیگر را نیز به ایشان می‌داده است، ایشان به حق قسم زنان خود نیز توجه خاص داشته و همواره آن را رعایت می‌کردند، پیامبر (ص) در میان زنانی که اختلافات قومی و فرهنگی داشتند چنان به مساوات رفتار می‌کردند و جلوی طعنه و کنایه سایرین می‌ایستادند که از این نظر نیز مشکلی برای زنان ایجاد نشود. خداوند اسوه و نمونه‌ای کامل از چندهمسری را چون پیامبر (ص) پیش چشم همگان قرار می‌دهد که در نهایت عدالت با همسران خود رفتار می‌نمود. در واقع تنها در چنین شرایطی می‌توان به جواز چندهمسری اتکا کرد.

کلید واژه‌ها: چند همسری، انگیزه‌ها، مدیریت، پیامبر، اهل بیت

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول: مقدمه	۱
۱-۱- طرح مسأله و اهمیت پژوهشی آن	۱
۲-۱- هدف پژوهش.....	۲
۳-۱- فرضیه‌ها یا (و) پرسش‌های پژوهش.....	۲
۴-۱- مروری بر پژوهش‌های انجام شده.....	۲
۵-۱- روش انجام پژوهش	۳
۱-۵-۱- تعریف ازدواج.....	۳
۲-۵-۱- تعریف چند همسری	۴
فصل دوم: ازدواج و چند همسری از نگاه مردم‌شناسی و ادیان	۵
۱-۲- اهمیت ازدواج	۵
۲-۲- فلسفه ازدواج.....	۶
۳-۲- انواع ازدواج.....	۷
۱-۳-۲- تک همسری.....	۷
۲-۳-۲- چند شوهری.....	۸
۳-۳-۲- چندزنی (تعدد زوجات).....	۱۰
۴-۲- تعدد زوجات در ادیان.....	۱۴
۵-۲- تعدد زوجات در یهود.....	۱۴
۶-۲- تعدد زوجات در مسیحیت.....	۱۵
۷-۲- منشأ تعدد زوجات در بلاد عرب	۱۵
۸-۲- تعدد زوجات در اسلام.....	۱۶
۹-۲- ازدواج با محارم.....	۱۸
۱۰-۲- ازدواج هبه ای.....	۱۹
۱۱-۲- ازدواج بر اساس مدت.....	۱۹
فصل سوم: انگیزه‌های ازدواج و چند همسری	۲۱
۱-۳- انگیزه‌های ازدواج و چند همسری در جوامع.....	۲۱
۲-۳- انگیزه‌های چند همسری در سیره پیامبر صلی الله علیه وآله و اهل بیت علیهم السلام	
۲۳.....	۲۳

صفحه	عنوان
۲۳.....	۳-۲-۱- انگیزه‌های دینی.....
۲۴.....	۳-۲-۲- انگیزه‌ی سیاسی.....
۲۵.....	۳-۳-۳- انگیزه‌ی دینی-اخلاقی.....
۲۹.....	فصل چهارم: شیوه‌های مدیریت چند همسری در سیره پیامبر(ص) و اهل بیت ... ۲۹
۲۹.....	۴-۱- مشکلات ازدواج و چند همسری.....
۳۴.....	۴-۲- شیوه‌های مدیریت جنبه‌های اقتصادی چند همسری.....
۳۴.....	۴-۲-۱- مهریه.....
۳۷.....	۴-۲-۲- مدیریت جنبه‌های زناشویی چند همسری.....
۴۰.....	۴-۳- مدیریت جنبه‌های ناشی از احساسات و عواطف در چند همسری.....
۴۵.....	۴-۴- مدیریت جنبه‌های قومیتی فرهنگی چند همسری.....
۴۸.....	فصل پنجم: نتیجه‌گیری و پیشنهادات..... ۴۸
۴۸.....	۵-۱- نتیجه‌گیری.....

فصل اول

مقدمه

۱-۱- طرح مسأله و اهمیت پژوهشی آن

چند همسری وضعیتی است که در آن زن یا مرد بیش از یک همسر دارد. این وضعیت معمولاً شامل دو حالت چند زنی و چند شویی می شود. در چند زنی یک مرد به طور رسمی با دو یا چند زن ازدواج می کند و در چند شویی دو یا چند مرد به طور همزمان و مشترک تنها با یک زن ازدواج می کنند. در این پژوهش چندهمسری به معنای چند زنی لحاظ می گردد.

به علت مشکلات متعددی که چند همسری به وجود می آورد این شکل از ازدواج در جوامع متمدن امروزی مانند چین، روسیه، انگلیس و آمریکا ممنوع بوده و جایی ندارد. با توجه به شرایط فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی در این جوامع مدیریت چند همسری بسیار دشوار به نظر می رسد.

تحقیقات مردم شناختی نشان می دهد که در جوامع غیرمتمدن چند همسری با انگیزه های متعددی همچون: انگیزه های جمعیتی، جنسیتی، سیاسی، اقتصادی، دینی و ... شکل می گیرد.

یکی از مسائلات تاریخی که روایات متواتر و قطعی بلکه آیات بر آن گواهی می دهد، ازدواجهای متعدد پیامبر (ص) و اهل بیت (علیهم السلام) است. با توجه به اینکه این چهره های دینی و معنوی از سرآمدان اخلاق بوده اند انگیزه های آنان در اقدام به انتخاب چند همسر و شیوه مدیریت چند همسری توسط آنها و حل مشکلات توأم با آن جالب توجه است و این احتمال وجود دارد که بتوان از آن شکل مدیریت در جوامع متمدن امروزی کمک گرفت. از طرفی از نگاه روان شناختی نیز مدیریت چند همسری در سیره این بزرگان به گونه ای که با حسادت و رقابت زنانه مواجهه کارآمدی داشته باشد

قابل تأمل است. شیوه مدیریت اقتصاد چند همسری و سامان دادن به فرزندان فراوان همچنین شیوه حل مشکلات ناشی از جنبه جامعه شناختی این پدیده، نیز در سیره پیامبر(ص) و اهل بیت (علیهم السلام) جلب توجه می کند.

پژوهش در این زمینه می تواند جایگاه جواز چند همسری را نشان دهد به طوری که بتوان نشان داد که نسبت این مجوز اسلامی با زندگی در جوامع متمدن امروزی چیست.

۱-۲- هدف پژوهش

در این پژوهش مهمترین هدف بررسی چگونگی شیوه مدیریت چند همسری در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (علیهم السلام) و امکان الگو برداری از آن در شرایط زندگی در جوامع متمدن امروزی با توجه به آیات قرآن کریم، روایات و تاریخ اسلام است.

۱-۳- فرضیه‌ها یا (و) پرسش‌های پژوهش

پرسش

۱- با توجه به سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (علیهم السلام) چه نتیجه ای در ارتباط با انگیزه انتخاب چند همسر توسط آن بزرگواران به دست می آید؟

۲- پیامبر (ص) و اهل بیت (علیهم السلام) در مدیریت معیشت همسران خود چه تدابیری می اندیشیده‌اند؟

۳- پیامبر (ص) و اهل بیت (علیهم السلام) چگونه مشکلات ناشی از حسادت و رقابت زنانه را در انتخاب چند همسر مدیریت می کرده‌اند؟

۴- پیامبر (ص) و اهل بیت (علیهم السلام) میان عشق و چند همسری چگونه سازش برقرار کرده‌اند؟

۱-۴- مروری بر پژوهش‌های انجام شده

هرچند در ارتباط با موضوع پایان نامه، کار علمی با عنوانی یکسان وجود ندارد اما می توان به عنوان پیشینه از برخی پژوهش‌ها نام برد که به نحوی با موضوع ارتباط دارند:

«چند همسری در قرآن و سیره پیامبر (ص)» نوشته‌ی وحیده حمامی (۱۳۸۵)؛ «چند همسری در قرآن؛ نقد دیدگاه دکتر نصر حامد ابوزید» نوشته‌ی زین العابدین شمس الدین به ترجمه علی راد (۱۳۸۲)؛ «حکمت چند همسری در حیات رسول خدا (ص)» نوشته‌ی نیکو دیلمه (۱۳۹۰) «پیامبر اکرم و چند همسری» نوشته‌ی مصطفی جعفرپیشه (۱۳۸۶).

۱-۵- روش انجام پژوهش

این پژوهش به شیوه توصیفی تحلیلی و با تکیه بر منابع روایی و تاریخی صورت می پذیرد و مبتنی بر گردآوری اطلاعات از طریق منابع کتابخانه‌ای و پایگاه اینترنتی است.

۱-۵-۱- تعریف ازدواج

با مراجعه به کتب انسان شناسی و مردم شناسی و کتب تاریخی و اجتماعی با تعاریف مختلفی از ازدواج روبرو می شویم مثلاً ویل دورانت در کتاب خویش تاریخ تمدن چنین می نویسد: «اتحاد یک جفت زن و مرد برای بهبود و پیشرفت نسل آینده» (ویل دورانت، ۱۳۳۷: ۴۸) و در کتاب درآمدی بر انسان شناسی کلود ریویر چنین آمده است: «ازدواج را می توان پیوندی تعریف کرد میان اعضای دو گروه برون همسر که از طریق آن، دو نفر از دو جنس مخالف در شبکه‌ای از حقوق و الزامات مشترک، که در هر فرهنگی نسبت به فرهنگ‌های دیگر متفاوت است، به یکدیگر وابسته می شوند. لوی استراوس ازدواج را پدیده‌ی اصلی در تشکیل ساخت‌های خویشاوندی می داند. وصلت در واقع ساخت اجتماعی مشروعیت یافته به وسیله‌ی رسوم را اصلاح می کند. ازدواج فرآیند خویشاوندی نسبی، سکنی گزینی، نان گذاری، ارث‌بری و رفتارها را مشخص کرده و راه را بر تولیدحش ۸ز مثل مشروع درون گروه خانوادگی می‌گشاید. معمولاً یک منسک دینی یا مدنی در ازدواج، تغییر جایگاه اجتماعی همسران جدید و پیدایش پیوندهای حقوقی، اجتماعی و اقتصادی میان گروه خویشاوندی نسبی شوهر و زن را رسمیت می‌بخشد» (ریویر، ۱۳۷۹: ۱۰۰)

در اصطلاح حقوقی ازدواج چنین تعریف شده: «ازدواج قراردادی است که به موجب آن زن و مرد در زندگی با یکدیگر شریک و متحد شده و خانواده‌ای تشکیل می‌دهند» (اسعدی، ۱۳۹۱: ۲۲۸-۲۲۷) بعضی از استادان حقوق در تعریف ازدواج گفته‌اند: «ازدواج عبارت از رابطه‌ی حقوقی است که به وسیله‌ی عقد بین مرد و زن حاصل می‌گردد و به آن‌ها حق می‌دهد که از یکدیگر تمتع جنسی ببرند» و یا «ازدواج عقدی است که به هر یک از زوجین برای استمتاع از دیگری مشروعیت می‌دهد» (همان: ۲۲۸)

در لغت ازدواج مصدر ثلاثی مزید از باب افتعال و زواج مصدر باب مفاعله است این دو واژه در اصطلاح فقهی و قانونی به معنای رابطه‌ای است حقوقی که لازمه‌ی آن جواز کام‌جویی بین زن و مرد است. چنان‌که واژه‌ی نکاح نیز به همین معناست هرچند از نظر لغت ازدواج به معنای متحد شدن دو انسان و نکاح به معنای هم‌خوابگی آن دو است. نکاح و ازدواج به معنای حق هم‌خوابگی و به وحدت رسیدن است که معنایی است لغوی و عقد عامل پیدایش این حق است هرچند فقها و حقوق دانان در بسیاری از موارد مقصودشان از ازدواج و نکاح عقد خاص است. (ابراهیمی، ۱۳۷۷: ۱۷-۱۵)

۱-۵-۲- تعریف چند همسری

نقطه مقابل تک همسری، چند همسری یا به اصطلاح زوجیت اشتراکی است که به چند شکل کمونیسم جنسی، چند شوهری و چند زنی ممکن است بروز کند. در کمونیسم جنسی نه مرد به زن مشخصی اختصاص دارد و نه زن به مرد مشخصی و در چند شوهری یک زن در آن واحد بیش از یک شوهر دارد و در شکل دیگر چند همسری که چند زنی است عکس این قضیه وجود دارد یعنی یک مرد در آن واحد دارای چند زن است (مطهری، ۱۳۸۱: ۲۸۹-۲۸۵).

چند همسری مقابل تک همسری یعنی ازدواج یک مرد و یک زن قرار می‌گیرد و به معنی ازدواج یک نفر (مرد یا زن) با چندین همسر است. البته باید توجه داشت که معمولاً از قواعدی پیروی می‌کند که با ازدواج‌های بعدی یا ثانوی متفاوتند. چند زنی به وصلت زناشویی یک مرد با چندین زن اطلاق می‌شود. این زنان همگی در آن واحد در جایگاه همسران زنده و مشروع او قرار می‌گیرند (ریویر، ۱۳۷۹: ۱۰۹-۱۱۰).

فصل دوم

ازدواج و چندهمسری از نگاه مردم‌شناسی و ادیان

۲-۱- اهمیت ازدواج

در اینجا منظور از اهمیت ازدواج ضرورت آن و در اولویت بودن و یا نبودن آن نزد افراد، قبایل و ادیان مختلف است. تقریباً می‌توان ادعا کرد که ازدواج پدیده‌ای است که کم و بیش در میان همه‌ی ملت‌ها دارای اهمیت بوده و کمتر اجتماعی را می‌توان یافت که در آن‌ها ازدواج مرسوم نبوده است. مثل برخی از قبایل موجود در جزایر هاوایی یا در میان مردم قدیم روس یا کوتوله‌های افریقایی (پیگمه‌ها) که در واقع تابع هیچ قاعده و قانونی نبوده و بدون کمترین توجهی به ازدواج با یکدیگر نزدیکی کرده و از این طریق به فرونشاندن غریزه جنسی خود می‌پرداخته‌اند و بعد از آن به راحتی از یکدیگر جدا می‌شدند (ویل دورانت، ۱۳۳۷: ۴۸-۴۹).

در ادیان مختلف چون مسیحیت، یهود، اسلام، دین زرتشت و... ازدواج مرسوم بوده لذا در یک دین پررنگ‌تر و با اهمیت‌تر و در دین دیگر کم اهمیت‌تر بوده است. برای مثال در دین مسیح ازدواج پدیده‌ای مقدس بوده ولی در برابر آن عزوبت و مجرد امری پسندیده‌تر است چرا که آن‌ها معتقدند شخص مجرد به لحاظ کم‌تر بودن مشغله‌های ذهنی‌اش بهتر می‌تواند به خدمت خداوند برسد و از این لحاظ خود را شبیه عیسی (علیه السلام) سازد.

بنابر دیدگاه انجیل، ازدواج تنها وسیله جهت دفع شهوت و جلوگیری از معصیت است و خود ارزشمند نیست؛ اگرچه از ازدواج به عنوان آیین مقدس یاد می‌شود ولی این قداست ذاتی ازدواج نیست؛ بلکه نگاه به ازدواج به عنوان وسیله‌ای جهت حفظ پاکی و تأمین نیازهای جسمی است. لذا در صورت آلودگی به حرام، ازدواج مستحب می‌شود و گرنه اگر کسی بتواند شهوت خود را کنترل کند،

بهترین عمل عزوبت، بتولیت و عدم ازدواج است. چون عزوبت نزد خداوند، از ازدواج بهتر است. پس برای افرادی که نمی‌توانند پاکی و طهارت خود را حفظ کنند و آلوده می‌شوند ازدواج خوب است؛ ولی اگر ازدواج نکنند خوب‌تر است؛ چون در ازدواج انسان به فکر ارضا و تحصیل رضای همسر است در حالی که شخص غیر متزوج در پی تحصیل رضای پروردگار است. (سکری سرور، بی تا: ۶۸)

در دین یهود اما برخلاف مسیحیت، ازدواج بسیار مهم بوده و مورد تاکید قرار گرفته تا جایی که در تورات یکی از ده فرمان، مربوط به ممنوعیت عمل زناست و این بدان معناست که رابطه جنسی حرام و برقراری چنین رابطه‌ای از راهی غیر از راه ازدواج، حرام و ممنوع و بسیار زننده و مذموم است و در مقابل ازدواج و فرزندآوری بسیار پسندیده و مورد تاکید است تا جایی که در کتاب سیری در تلمود درباره ازدواج در این دین اینگونه آورده که: «مردی که همسر ندارد شایسته نام مرد نیست. مرد مجرد در نظر حکیمان یک نیم‌تنه است و تنها زمانی کامل می‌شود که ازدواج کند.» و همچنین در ادامه می‌نویسد که: «یهودیت زن گرفتن را فریضه مهمی می‌داند که بر هر مردی واجب است و حتی تاکید دارد مردی هم که دیگر قادر نیست بچه‌دار شود، از زندگی مجردی بپرهیزد.» (آدین اشتاین، ۱۳۸۲: ۴۴)

در دین اسلام ازدواج بسیار مهم بوده و شاید بتوان ادعا نمود که در هیچ دین و مذهب و مکتبی به اندازه دین اسلام، درباره ازدواج بحث نشده است. در آیات و روایات بسیاری از ازدواج سخن به میان آمده و آن را امری مستحب و بسیار محبوب و پسندیده می‌داند مثلاً در آیه ۳۲ از سوره نور خداوند امر می‌کند که مردان و زنان بی همسران و غلامان و کنیزان شایسته خود را همسر دهید حتی اگر تهیدست و نیازمند بودند یعنی حتی امری مثل تهیدستی نیز نباید مانع ازدواج شود و یا در آیه‌ی دیگری یکی از اهداف آفرینش را خلقت زوج برای آدمی معرفی می‌کند که بر پایه‌ی آن آدمی می‌تواند رشد کند و به کمال رسد (۲۱/روم) و در روایات بسیاری از ازدواج را نیمی از دین (عاملی، ۱۴۰۹: ۱۷) و بنای ازدواج را محبوب‌ترین بنا نزد خداوند (همان: ۱۴) و حتی اعمال فرد متأهل - همچون نماز را - از اعمال فرد مجرد و عزب برتر می‌شمارد (همان: ۱۹).

۲-۲- فلسفه ازدواج

منظور از فلسفه ازدواج در اینجا چرایی و حکمت ازدواج است که در ادیان و جوامع مختلف ممکن است پاسخ‌های مختلفی به چرایی ازدواج داده شده باشد اما بدون شک یکی از مهم‌ترین دلایل ازدواج را می‌توان تامین نیازهای فطری انسان همچون نیاز به آرامش روحی-روانی، جسمی نام برد که در دین اسلام و در کتاب آسمانی این دین صراحتاً به این موضوع اشاره شده است آنجا که می‌فرماید: «و من آیاته أن خلقَ لکم من أنفسکم أزواجاً لتسکنوا إليها ...» (۲۱/روم). علاوه بر این فطرت آدمی به

گونه‌ای است که علاقه به جاودانگی و حب بقاء دارد و یکی از راههایی که در نظر او می‌تواند این خواسته‌اش را برآورده سازد برجای گذاشتن نسل و فرزند است که این مهم جز با ازدواج ممکن و میسر نیست و شاید به همین دلیل است که قرآن کریم نیز مال و پسران را زینت زندگی دنیایی معرفی نموده و خواسته از همین خصلت آدمی به حب بقاء و علاقه‌اش به فرزندآوری خبر دهد. علاوه بر این دسته از آیات، روایات بسیاری از معصومین ما از اهمیت فرزندآوری بحث نموده تا جایی که امام صادق (ع) یکی از معیارهای مهم در انتخاب همسر را، توان زاییدن فرزند معرفی می‌کند (عاملی، ۱۴۰۹: ۹۶)

برتراند راسل نیز می‌نویسد که: «همین که پدری دریافت که کودک همچنان که کتاب مقدس می‌گوید «ذریه‌ی» اوست احساساتش نسبت به او با دو عامل دیگر که عشق به قدرت و غلبه‌ی بر مرگ باشد تقویت می‌گردد زیرا اعمال اولاد آدمی به تعبیری اعمال خود او و زندگی‌شان ادامه‌ی حیات اوست. با این احساس دامن‌های آرزوها به گور منتهی نمی‌شود و می‌توان آن را در وجود زندگی فرزندان و اولاد همیشه و دائماً ادامه داد. به عنوان نمونه خشنودی ابراهیم را به هنگامی که به وی خبر می‌دهند ذریه‌اش سرزمین کنعان را تصاحب خواهد کرد در نظر آورید» (راسل، ۱۳۴۷: ۱۸)

البته نباید نیاز به برطرف نمودن و پاسخ به گزینه جنسی به عنوان یکی از مهم‌ترین غرایز وجودی انسان را نادیده گرفت چرا که به هر حال این میل سرکش در وجود آدمی تعبیه شده و یکی از راههای فرونشاندن آن، ازدواج و همسرگزینی است هرچند که ممکن است علت اصلی و اساسی ازدواج این مسئله نباشد.

از دیگر علل تشریع ازدواج می‌توان به رشد شخصیت، حس مسئولیت‌پذیری و بیرون آمدن از حصار خودبینی و طبیعت فردی و متعهد شدن در برابر دیگران و به دنبال آن فراهم شدن زمینه‌ی رشد اجتماعی اشاره نمود (مکارم شیرازی، ۱۳۶۸: ۴۶۵).

و شهید مطهری نیز می‌فرماید: ازدواج اولین مرحله‌ی خروج از خود طبیعی فردی و توسعه پیدا کردن شخصیت انسان است. (مطهری، ۱۳۶۲: ۲۵۲-۲۵۱)

۲-۳- انواع ازدواج

۲-۳-۱- تک همسری

طبیعی ترین شکل زناشویی است که در آن هریک از زن و شوهر، احساسات و عواطف و منافع جنسی دیگری را فقط از آن خود می‌دانند.

قبل از رواج تک همسری به صورت گسترده و به شکل امروزی چندهمسری به اشکال مختلف آن (کمونیسم جنسی، چند شوهری، چند زنی) در اجتماعات مختلف وجود داشت. مثلاً ویل دورانت در

کتاب خود تاریخ تمدن درباره‌ی چندهمسری و به‌خصوص کمونیسم جنسی این‌گونه آورده است که: «در میان ملت‌های قدیم روس مردان بدون تفاوت، با زنان مختلف هم‌خوابی می‌کردند، به‌طوری که معلوم نبود شوهر هر زن کدام مرد است.» (ویل دورانت، ۱۳۳۷: ۴۹) و یا در بخش‌هایی دیگر از همین کتاب می‌نویسد: «در بعضی از نقاط ازدواج به‌طور گروهی صورت می‌پذیرفته به این معنی که گروهی از مردان یک طایفه گروهی از زنان طایفه دیگر را به زنی می‌گرفتند. برای مثال در تبت عادت بر آن بود که چند برادر چند خواهر را به تعداد خود به همسری اختیار می‌کردند، به‌طوری که هیچ معلوم نبود کدام خواهر، زن کدام برادر است؛ یک نوع کمونیسم در زناشویی وجود داشت و هر مرد با هر زنی که می‌خواست هم‌خوابه می‌شد.» (همان: ۵۰)

اما باید متذکر شد که این قوانین و رسوم در میان بعضی از مردمان وحشی وجود داشته و بعد از آن بنابه دلایل مختلفی که در ادامه بیان خواهد شد تک همسری رواج پیدا کرد، و چنان‌که شهید مطهری در کتاب خود به نقل از کتاب "فریود و تحریم زناشویی با محارم" می‌آورد قانون تک همسری از طرف برخی از کشورهای نیرومند کمونیستی یگانه قانون رسمی شناخته شد. (مطهری، ۱۳۸۱: ۲۸۶)

۲-۳-۲- چند شوهری

شکل دیگر ازدواج چندشوهری است به‌طوری که یک زن به‌طور هم‌زمان دارای دو یا چند شوهر بوده، این رسم نیز آن‌چنان که ویل دورانت می‌نویسد در میان قبایلی همچون قبیله‌ی تودا و برخی از قبایل تبت مشاهده شده است. «چند همسری (چند گانی)، که عبارت از ازدواج یک فرد یا چند فرد غیر هم‌جنس خود بوده کم‌کم به صورت چندشوهری درآمده و یک زن چند شوهر می‌گرفته است. این کیفیت در قبیله‌ی تودا و بعضی از قبایل تبت قابل مشاهده است، این عادات معمولاً در کشورهای پیدا می‌شود که عدد مردان بر زنان فزونی قابل ملاحظه دارد» (ویل دورانت، ۱۳۳۷: ۵۱)

این موضوع مربوط به برخی از قبایل اولیه و مردمان وحشی بود و جناب مطهری نیز در کتاب خود "نظام حقوق زن در اسلام"، به نقل از صحیح بخاری و از زبان عایشه به چنین عادتی در میان عرب جاهلی اشاره می‌کند. «در جاهلیت عرب چهار نوع زناشویی وجود داشته است. یک نوع همان معمول و جاری است که مردی بوسیله‌ی پدر دختر از دختر خواستگاری می‌کند و پس از تعیین مهریه با او ازدواج می‌کند و فرزندی که از آن دختر پیدا می‌شود از لحاظ تعیین پدر، تکلیف روشنی دارد.

نوع دیگر این بوده که فردی در خلال ایام زناشویی با زن خود، وسیله‌ی زناشویی او را با مرد دیگری برای یک مدت محدود فراهم می‌کرده است تا از او برای خود نسل بهتری به‌وجود آورد، به

این ترتیب که آن مرد از زن خود کناره‌گیری می‌کرد و زن خود را توصیه می‌کرد که خود را در اختیار فلان شخص معین بگذارد و تا وقتی که از آن مرد آبستن نمی‌شد به کناره‌گیری خودش ادامه می‌داد. همین که روشن می‌شد آبستن شده، با او نزدیکی می‌کرد. این کار را در مورد کسانی می‌کردند که آن‌ها را برای تولید فرزند از خود شایسته‌تر می‌دانستند. و در حقیقت این کار را برای بهبود نسل و اصلاح نژاد انجام می‌دادند. این نوع زناشویی را- که در واقع زناشویی در خلال ایام زناشویی دیگر بود- نکاح استبضاع، می‌نامیدند.

نوع سوم زناشویی این بود گروهی که تعدادشان کم‌تر از ده نفر می‌بود با یک زن معین رابطه برقرار می‌کردند. آن زن آبستن می‌شد و فرزندی به دنیا می‌آورد در این وقت آن زن همه‌ی آن گروه را نزد خود دعوت می‌کرد و طبق عادت و رسم آن زمان آن مردان نمی‌توانستند از آمدن سرپیچی کنند، همه می‌آمدند. در این هنگام آن زن هر کدام از آن مردان را که خود مایل بود به عنوان پدر برای فرزند خود انتخاب می‌کرد و آن مرد حق نداشت از قبول آن فرزند امتناع کند، به این ترتیب آن فرزند، فرزند رسمی و قانونی آن مرد محسوب می‌شد.

نوع چهارم این بود که زنی رسماً عنوان «روسپی‌گری» داشت. هر مردی- بدون استثنا- می‌توانست با او رابطه داشته باشد. این‌گونه زنان معمولاً پرچمی بالای خانه خود می‌زدند و با آن علامت شناخته می‌شدند. این‌چنین زنان پس از آن‌که فرزندان به دنیا می‌آوردند همه مردانی که با آن‌ها ارتباط داشتند جمع می‌کردند، آن‌گاه کاهن و قیافه‌شناس می‌آوردند. قیافه‌شناس از روی مشخصات قیافه رأی می‌داد که این فرزند از آن کیست، و آن مرد هم مجبور بود نظر قیافه‌شناس را بپذیرد و آن فرزند را فرزند رسمی و قانونی خود بداند. «(مطهری، ۱۳۸۱: ۲۸۸-۲۸۷)

منتسکیو نیز در این‌باره به نقاط سردسیر آسیا چون تبت اشاره می‌کند که شرایط آب و هوایی باعث شده که تعداد پسران بر تعداد دختران فزونی یابد و همین مسأله باعث پیدایش چندشوهری شده است و در ادامه می‌نویسد که ابوالظیهر الحسن جهانگرد عرب در قرن نهم میلادی به هندوستان و چین سفر کرده و این رسم را در آنجا مشاهده نموده است و آن را دلیل بر فحشاء می‌شمارد. (منتسکیو، ۱۳۴۹: ۴۳۵)

به‌طور کلی از مباحث مذکور می‌توان نتیجه گرفت که چندشوهری در نزد برخی از جوامع وجود داشته مخصوصاً جوامعی که در آن‌ها تعداد مردان بر زنان فزونی داشته این امر رایج‌تر بوده است. اما به دلیل مغایرت آن با کرامت و شخصیت زنان و اختلاط نسب و آثار اجتماعی نامطلوب در هیچ یک از ادیان آسمانی پذیرفته نشده است و در ملل متمدن رایج نیست.

۲-۳-۳- چندزنی (تعدد زوجات)

چندزنی همان‌گونه که از نام آن پیداست حالتی است که در آن یک مرد به طور هم‌زمان دو یا چند زن داشته باشد دقیقاً برعکس حالت چندشوهری. از آن‌جا که در این نوع ازدواج نسب فرزند متولد شده معلوم و مشخص است رواج و موفقیت بیشتری نسبت به حالت چندشوهری و کمونیسم جنسی داشته است. چندزنی تنها مربوط به جوامع اولیه غیرمتمدن نیست بلکه در جوامع متمدن نیز دیده می‌شود. مثلاً در میان ایرانیان در زمان ساسانیان، اعراب جاهلیت و در ادیان مختلف چون اسلام، یهودیت و... قابل مشاهده است (اسعدی، ۱۳۹۱: ۲۰۶).

تعدد زوجات هم‌اکنون در بسیاری از مناطق جهان دیده می‌شود و به صورت یک قاعده وجود دارد و طبق تحقیقات برخی صاحب نظران در ۶۷ درصد جوامع بشری چند زنی رایج است (دیرین، ۱۳۶۶: ۷۰).

منتسکیو علل تعدد زوجات در مناطق گرمسیری را مربوط به شرایط آب و هوایی می‌داند چرا که از نظر او زنان زودتر پیر شده و زودتر زیبایی خود را از دست می‌دهند و به همین جهت نفوذ چندانی در مردان ندارند و مردان اگر مانعی در پیش رو نداشته باشند زن خود را ترک کرده و مجدداً ازدواج می‌نمایند. ولی در کشورهایی که هوا اعتدال دارد زن‌ها دیرتر پیر شده و تقریباً می‌توان گفت زن و مرد در یک سن و یک موقع پیر می‌شوند و به همین دلیل مردها بیش از یک زن نمی‌گیرند بنابراین قانون منع تعدد زوجات در اروپا و مجاز کردن این عمل در آسیا مربوط به مقتضیات آب و هوا و به واسطه‌ی اقتضای آب و هوا است که دین اسلام در آسیا توسعه یافت و دین مسیح نتوانست در آسیا توسعه یابد و به همین جهت دین اسلام در کشور چین نفوذ نمود ولی دین مسیح نتوانست در آن کشور به خوبی نفوذ نماید. و در نهایت او می‌نویسد که والانتینین امپراطور روم به علل مخصوص اجازه تعدد زوجات مردها را صادر نمود ولی چون این قانون با آب و هوای اروپا مناسب نبود از طرف سایر امپراطوران روم مثل تئودور و آرکادیوس و هونوریوس لغو گردید.

ایشان علاوه بر آب و هوا، توانایی شوهر در اعاشه زن و فرزندان، زیاد بودن دختران نسبت به پسران در مناطق گرمسیری را از علل دیگر تعدد زوجات در این مناطق می‌داند. (منتسکیو، ۱۳۴۹: ۴۳۲ - ۴۳۵)

اما جناب مطهری نظری مخالف نظر منتسکیو ارائه می‌کند که چنین است: رسم تعدد زوجات منحصر به مناطق گرمسیری نبوده است. اگر زود پیر شدن و غلیان نیروی جنسی مرد علت تعدد زوجات باشد پس چرا مردم مشرق همان راه مردم مغرب را پیش نگرفتند و به جای تعدد زوجات با فحشاء و زن بازی آزاد خود را اقناع نکردند؛ زیرا در مغرب زمین به قول گوستااولوبون رسم وحدت زوجه رسمی است که فقط در کتاب‌های قانون درج است و در معاشرت‌های مغرب زمین اثری از آن

نیست و باز به قول او در مشرق زمین تعدد زوجات به شکل قانونی یعنی قبول تعهد همسری نسبت به زن و مسؤولیت پدری نسبت به فرزندان او وجود داشته است و در مغرب زمین به شکل غیر قانونی یعنی به شکل معشوقه بازی و رفیق‌بازی بدون قبول تعهد همسری نسبت به زن و تعهد پدری نسبت به فرزندان اوست. (مطهری، ۱۳۸۱: ۳۱۸)

از علل مختلفی که برای تعدد زوجات بیان شده است عادت ماهیانه است که به تنهایی نمی‌تواند موجب رسم تعدد زوجات شود مگر آنکه مانع اخلاقی یا اجتماعی وجود داشته باشد که مرد نتواند هوس خود را با معشوقه بازی آزاد تسکین بدهد. علت دیگر که در زمان قدیم رایج بوده است، عامل اقتصادی است به صورتی که زن و فرزند زیاد به نفع مرد بوده است و از زنان و فرزندان مانند بردگان کار می‌کشیدند و یا فرزندان خود را می‌فروختند. این عامل در رو آوردن مرد به تعدد زوجات تأثیر داشته، بدون آنکه مجوزی برای مرد شمرده شود، فقط جنبه زور و ظلم و استبداد داشته است. بدیهی است که فروختن فرزند یکی از وحشیانه‌ترین و ظالمانه‌ترین کارهای بشری است و تعدد زوجاتی که به خاطر این هدف وحشیانه و ظالمانه باشد مانند خود آن عمل نامشروع است (همان: ۳۲۵-۳۲۲). نوع دیگر آن علل از جنبه حقوقی قابل مطالعه است و می‌تواند مجوزی برای مرد یا برای اجتماع شمرده شود، از قبیل نازا بودن زن یا یائسه شدن او و احتیاج مرد به فرزند یا نیازمندی قبیله یا کشور به کثرت نفوس. به‌طور کلی علل طبیعی که زن و مرد را از لحاظ ارضاء جنسی و یا از لحاظ تولید فرزند در وضع نامساوی قرار می‌دهد می‌تواند از جنبه حقوقی مجوز تعدد زوجات محسوب شود (همان: ۳۲۵).

در میان علل گذشته نوع دیگری هست که اگر فرض کنیم در دنیای گذشته وجود داشته و یا در دنیای امروز وجود دارد، بیش از آن است که فقط مجوز تعدد زوجات برای مرد یا اجتماع محسوب گردد بلکه موجب حقی است از جانب زن و موجب تکلیفی است به عهده مرد و اجتماع و آن علت، فزونی تعداد زنان بر مردان است. در برخی دوره‌ها با اینکه موالید دختر از موالید پسر بیشتر نیست و احیاناً در بعضی کشورها موالید پسر بیشتر است، همواره به واسطه اینکه تلفات جنس ذکور از تلفات جنس اناث بیشتر است، در سنین ازدواج توازن بهم می‌خورد؛ گاهی به صورت فاحشی تفاوت پیدا می‌شود و تعداد زنان آماده ازدواج بر عدد مردان آماده ازدواج به مقیاس وسیعی فزونی می‌گیرد. بنابراین ممکن است مجموع عدد جنس ذکور یک کشور با عدد جنس اناث آن مساوی یا از آن بیشتر باشد، اما در طبقه آماده به ازدواج یعنی طبقه‌ای که به سن قانونی ازدواج رسیده‌اند کار برعکس بوده باشد. (همان: ۳۳۳-۳۲۶)

اگر فرض کنیم در گذشته یا زمان حاضر تعداد زنان آماده به ازدواج بر تعداد مردان آماده به ازدواج فزونی دارد به طوری که اگر تک همسری تنها صورت قانونی ازدواج باشد گروهی از زنان بی‌شوهر از

تشکیل زندگی خانوادگی محروم می‌مانند، چندزنی به عنوان حقی از زنان محروم و تکلیفی به عهده‌ی مردان و زنان متأهل محسوب می‌شود. (همان: ۳۲۶)

حق تأهل از طبیعی ترین حقوق بشری است. هیچ بشری را از این حق به هیچ نامی و تحت هیچ عنوانی نمی‌توان محروم کرد. حق تأهل حقی است که هر فرد بر اجتماع خود پیدا می‌کند. مانند حق خوراک، حق مسکن و... . اجتماع نمی‌تواند کاری بکند که نتیجتاً گروهی از این حق محروم بمانند (همان: ۳۲۶-۳۲۷).

حق تأهل برای یک مرد یعنی حق اشباع غریزه، حق همسر و شریک و همدل داشتن، حق فرزند قانونی داشتن. اما حق تأهل برای یک زن علاوه بر همه این‌ها یعنی حق حامی و سرپرست داشتن، حق پشتوانه عواطف داشتن. مرد در فحشا و رفیق بازی نیمی از احتیاجاتش برطرف می‌شود اما زن اگر محیط خانوادگی را از دست دهد نمی‌تواند احتیاجات مادی و معنوی خود را تأمین کند (مطهری، ۱۳۸۱: ۳۳۳).

اگر بگویم تعدد زوجات در مشرق اسلامی مهمترین عامل نجات تک همسری بود. بلی، مجاز بودن تعدد زوجات بزرگترین عامل نجات تک همسری است، به این معنی که در شرایطی که موجبات تعدد زوجات پیدا می‌شود و عدد زنان نیازمند به ازدواج از مردان نیازمند به ازدواج فزونی می‌گیرد، اگر حق تأهل این عده زنان به رسمیت شناخته نشود و به مردانی که واجد شرایط اخلاقی و مالی و جسمی هستند اجازه چندهمسری داده نشود، رفیقۀ بازی و معشوقه‌گیری ریشه تک همسری واقعی را می‌خشکاند. (همان: ۳۴۱)

اگر تک همسری تنها صورت قانونی ازدواج باشد عملاً گروه زیادی از زنان از حق طبیعی انسانی خود (حق تأهل) محروم می‌مانند. تنها با قانون تجویز تعدد زوجات است - البته با شرایط خاصی که دارد - که این حق طبیعی احیاء می‌گردد. راه حلی که راسل پیشنهاد می‌کند این است که به این زنان اجازه داده شود برای اینکه از داشتن فرزند محروم نمانند با شکار کردن مردان، فرزندان بی‌پدر به وجود آورند، و نظر به اینکه زن در حالی که فرزند در رحم یا دامن دارد احتیاج به کمک مادی دارد و معمولاً پدر به نام نفقه به او کمک می‌کند، دولت از این جهت جانشین پدر شود و به این گونه زنان کمک اقتصادی کند (همان: ۳۳۴-۳۳۳).

راه حلی که اسلام پیشنهاد کرده است. اسلام می‌گوید: این مشکل را به این صورت حل کنید که یک نفر مرد واجد شرایط مالی و اخلاقی و جسمی بیش از یک زن را تکفل کند، زن دوم را همسر قانونی و شرعی خود قرار دهد، میان او و همسر اولش و همچنین میان فرزندان این زن و فرزندان همسر اولش هیچ گونه تبعیض و تفاوتی قائل نشود، زن اول تحت عنوان یک وظیفه اجتماعی نسبت به خواهر خودش از حق خود بگذرد و فداکاری کند و این نوع اشتراک و سوسیالیزم را که ضروری